



سید شهاب الدین حسینی

اهل بیت علیهم السلام را الگو و اسوه‌ای از فضایل این خاندان ساخته است. او عالمه‌ای است بلند مرتبه و محدّثه‌ای است بزرگوار که رجال علوم حدیث بدون هیچ درنگی احادیث و روایات رسیده از آن حضرت را قبول و به آن استناد می‌نمایند. او یادگار صاحبان آیه تطهیر^۱ و نمونه عالی از طهارت و پاکی است که خاص و عام وی را ملقب به «معصومه» نموده‌اند.

اول ذی القعدة الحرام (۱۷۳ هـ.ق) در مدینه منوره و در بیت هفتمین امام شیعیان، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، از مادری به نام نجمه خاتون (مادر امام رضا علیه السلام) دختری پا به عرصه وجود گذاشت که او را فاطمه نامیدند.^۱ وی به «معصومه»، «ستی» و «فاطمه کبری» ملقب شد.

انتساب این بانوی کرامت به خاندان رسالت و ولایت که هم دختر رسول خداست و ولی او و هم خواهر و عمه ولی خداست،^۲ عامل اساسی در تعالی روح و تکامل درجات علمی و عملی آن حضرت بوده است که کریمه

۱. وسیلة المعصومیه، ص ۶۵.

۲. مفتاح الجنان، زیارت حضرت

معصومه علیها السلام.

۳. احزاب/ ۳۳.

خود داشت، پس از یک سال از سفر تبعید گونه حضرت رضا علیه السلام به شهر «مرو» به همراه عده‌ای از برادران خود جهت دیدار برادر و تجدید عهد با امام زمان خویش راهی دیار غربت شد^۵ و زینب وار با سفر پربرکتش سند گویایی بر حقانیت امامت رهبران راستین و افشاگر چهره نفاق و تزویر مأمونی گردید و همانند شیر زن کربلا پیام آور خون سرخ برادری شد که این بار مزورانه به قتلگاه «بنی عباس» برده شده بود.

ناگاه تقدیر الهی بر این تعلق می‌گیرد که حامی بزرگ ولایت به علت بیماری نابهنگام در بین راه - که گفته شده است زنی در شهر ساوه ایشان را مسموم نمود^۶ - و جو نامساعد آن شهر، در حال بیماری، با سرعت به

چنانچه حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي؛ کسی که فاطمه معصومه را در قم زیارت کند، مثل آن است که مرا زیارت کرده است.»

او شفیع‌های است که بزرگ و کوچک از او طلب شفاعت می‌نمایند. در زیارت حضرت می‌گوئیم: «يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ؛^۲ ای فاطمه [معصومه] مرا در داخل شدن به بهشت شفاعت کن.» و انشاء الله طبق فرمایش امام صادق علیه السلام که فرموده است: «تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِبَعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛^۳ به شفاعت او [فاطمه معصومه علیه السلام] همه شیعیانم وارد بهشت خواهند شد»، شیعیان وارد بهشت می‌شوند، به خاطر اینکه برای آن سیده جلیله در محضر الهی منزلت وصف ناپذیری است. در زیارت آن حضرت آمده است: «فَأَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ؛^۴ [اینکه ما از تو طلب شفاعت می‌نماییم به خاطر این است که] تو در محضر الهی شأن و منزلت وصف ناپذیری داری.»

او بانوی با جلالتی است که از شدت علاقه‌ای که به برادر والا مقام

۱. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۳۷.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت معصومه علیه السلام.

۳. سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۷۶.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.

۵. زندگانی حضرت معصومه علیه السلام، منصوری،

ص ۱۴، به نقل از ریاض الانساب، ملک الکتاب

شیرازی.

۶. الحیة السیاسیه للامام رضا علیه السلام، ص ۴۲۸.

سرانجام نجمهٔ آسمان عصمت و طهارت - که معروف به سثیه و سثی و به معنای خانم و بی‌بی است^۱ - بعد از هفده روز اقامت در قم و عبادت و بندگی خاضعانه و خاشعانه در برابر ذات پاک الهی در بیت النور در سن ۲۸ سالگی به سال ۲۰۱ ه.ق. در روز دهم^۲ یا دوازدهم^۳ ربیع الثانی افول می‌کند و در محله «بابلان» مدفون می‌گردد. و تربت پاک آن بانوی بزرگ اسلام قبله‌گاه قلوب ارادتمندان به اهل بیت علیهم‌السلام و دارالشفای دلسوختگان عاشق امامت و ولایت می‌گردد.

کرامت چیست؟

کرامت کار خارق العاده‌ای است که توسط اولیاء الهی بدون اینکه با ادعای نبوت همراه باشد، انجام می‌گیرد. کرامتی که از اولیاء الهی بروز می‌کند با معجزه انبیاء الهی از جهتی مشترک و از جهتی متفاوت است. اشتراک معجزه با کرامت در این

انتساب این بانوی کرامت به خاندان رسالت و ولایت که هم دختر رسول خداست و ولی او و هم خواهر و عمهٔ ولی خداست، عامل اساسی در تعالی روح و تکامل درجات علمی و عملی آن حضرت بوده است که کریمهٔ اهل بیت علیهم‌السلام را الگو و اسوه‌ای از فضایل این خاندان ساخته است.

سوی شهر قم حرکت کند و در میان استقبال بزرگان و مردم قم وارد آن شهر شده و در منزل شخصی «موسی بن الخزرج» اجلال نزول فرماید.^۱

۱. تاریخ قدیم قم، ص ۲۱۳.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳. وسیلة المعصومة، ص ۶۵.

۴. مستدرک سفینه البحار، ج ۸، ص ۲۵۷.

است که هر دو کار خارق العاده‌ای هستند که دیگران از انجام آن عاجزند، با این تفاوت که معجزه همراه با ادعای نبوت است ولی کرامت چنین نیست.^۱ از دیر باز آستان قدس فاطمی منشاء هزاران کرامت و عنایت ربّانی بوده است، چونکه او از خاندانی است که در زیارت آن‌ها می‌خوانیم: «عَادَتْكُمْ الْإِحْسَانُ وَسَجَّيْتُكُمْ الْكَرَمَ»^۲ عادت شما نیکی و فطرت شما کرم و بخشش است.»

«هر که راه در حریم بضعة موسی دهند روز محشر جایش اندر جنة المأوی دهند در رواق حضرت معصومه اخت الرضا علیها السلام پاس خدمت حوریان عالم بالا دهند گریه‌شت جاودانی طالبی در قم بیا چون برات جنت فردوس را این جا دهند در یکی بخشش به هنگام عطای فاطمه صد هزاران ملک جم، دارایی دارا دهند گرشه‌نشانان عطای دنیوی بنموده‌اند اندر این دربار هم دنیا وهم عقبی دهند در سحرگاهان به هنگام مناجات و اذان خلق را گویی ندا از عالم اعلی دهند دوستان جای شما خالی که به زوّار او ای بسا منشور آزادی که با امضاء دهند

حوزه علمیه‌اش پرورده صدها مجتهد کاند در عالم داد علم و دانش و تقوی دهند در رواق دختر باب الحوائج فاطمه حاجت مردم به امر مادرش زهرا دهند «واصلاً» گرمعرفت باشد کسی را در حقش کور اگر باشد، زلفش دیده بینا دهند^۳ آری! چه قلب‌های ناامیدی که سرشار از امید به فضل و کرم الهی و چه دست‌های تهی که سرشار از رحمت ربوبی و چه انسان‌های بریده از همه جا و ناامید از همه کس که با دلی شاد و روحی پیوسته به ابدیت به درگاه پر فیض و کرم کریمه اهل بیت علیهم السلام برگشته و مورد لطف و عنایت کریمانه این بانوی کرامت قرار گرفته‌اند. در ذیل به نمونه‌هایی از این کرامات اشاره شود.

۱- کریمه اهل بیت و حل مشکلات

علمی

الف - مرحوم محدث قمی، در شرح حال صدر المتألهین شیرازی

۱. شرح کشف المراد، علی محمدی، ص ۳۶۶.

۲. مسفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره؛ بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۲.

۳. سروده شاعر معاصر «محمد واصل».

نوشته‌اند:

«از بعضی از مشایخ خود شنیدم که مرحوم ملاصدرابه واسطه بعضی از ابتلاءات از اقامتگاه خود به دارالایمان قم - که عش آل محمد و حرم اهل بیت است - مهاجرت کرد و به حکم «إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانُ الْفِتْنُ وَالْبَلَايَا فَعَلَيْكُمْ بِقَمِّ وَحَوَالِهَا فَإِنَّ الْبَلَايَا مَذْفُوعٌ عَنْهَا»^۱ هنگامی که فتنه‌ها [و ابتلاءات]، شهرها را فرا گرفت، بر شما باد به قم و حوالی آن، زیرا فتنه‌ها از آن جا رفع گردیده است.»

به قریه‌ای از قرای قم که در چهار فرسخی آن شهر واقع و موسوم به کهک است، پناه برد و گاهگاهی که بعضی مطالب علمی بر او مشکل می‌گردید، از کهک به زیارت حضرت سیده جلیله، فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام تشرّف می‌یافت و از آن حرم مطهر بر او افاضه فیض می‌گردید و مشکلاتش حل می‌شد.»

ب - یکی از علمای برجسته و پرهیزگار در حاشیه کتاب مکاسب [ی] که از روی آن تدریس می‌کرده‌اند در ص ۱۴۳ (بحث ترتّب عقود متعدّده بر مال مجیز) نوشته‌اند:

چه قلب‌های ناامیدی که سرشار از امید به فضل و کرم الهی و چه دست‌های تهی که سرشار از رحمت ربوبی و چه انسان‌های بریده از همه‌جا و ناامید از همه کس که با دلی شاد و روحی پیوسته به ابدیت به درگاه پر فیض و کرم کریمه اهل بیت علیهم السلام برگشته و مورد لطف و عنایت کریمانه این بانوی کرامت قرار گرفته‌اند.

«بسم الله الرحمن الرحيم. دیروز هر چه روی این قسمت، مطالعه و فکر نمودم برایم روشن نشد و موقع مباحثه شد؛ باینکه بر اینکه با تصریح به ابهام مطلب در این قسمت، درس را بگویم، آماده حرکت شدم و هنگام خروج از منزل، با توسل به حضرت معصومه (خزینة غیر منقوصه الهی علیها السلام) دعا نمودم و بیرون رفتم. دیگر حتی [در] فکر مطالب هم نبودم، اما همین که نزدیک صحن مطهر رسیدم، ناگهان خصوصیات مطلب از اول: «وَلَيْلَةُ قُدُودِ

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷، ح ۴۴.

کریمه اهل بیت وارد شده‌اید. به حرم مطهر بروید و از صاحب خانه بخواهید که سرپناهی به شما عنایت کنند.

حاج شیخ اسماعیل می‌گوید: به حرم مطهر رفتیم و از کریمه اهل بیت علیهم‌السلام تقاضای سرپناهی نمودم که عنایت فرمایند. از حرم که بیرون آمدم با شخصی مصادف شدم و مرابه خانه‌ای که مناسب وضع من بود راهنمایی نمود و آن را به مبلغ صد و چهل هزار تومان معامله کردم.

به خدمت آقای گلپایگانی رسیدم و شرح ماجرا را گفتم. معظم له مبلغی در حدود سی هزار تومان مرحمت کرده و فرمودند: کسی را پیدا کنید و از او قرض نمایید، خدا کریم است.

دوباره به محضر بی‌بی شرفیاب شدم و عرض کردم: بی‌بی جان از شما کسی را می‌خواهم که بقیه پول را به من قرض دهد. از حرم که بیرون آمدم، نرسیده به وسط صحن با یکی از آشنایان روبرو شدم. گفتم: شما را

اللَّاحِقَةَ...» تا «عَلَى الْمَعْوِضِ ابْتِدَاءً» به ذهنم به اذن الله تعالی و برکت سیدتنا فاطمه معصومه علیها‌السلام القاء شد و روشن گردید.^۱

۲- کریمه اهل بیت و حل مشکلات

مادی

الف - شخصی به نام حاج شیخ اسماعیل از اهالی اصطهبانات شیراز نقل می‌کند:

«در ایام جنگ تحمیلی، اقامتم در محل مشکل شد، به قم آمده و حضور مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی رسیدم. پرسیدند: آمده‌اید بمانید یا برگردید؟ عرض کردم: آمده‌ام در زیر سایه بی‌بی، حضرت معصومه، بمانم، ولی احتیاج به سرپناهی دارم که خانواده‌ام صدمه نخورد، و هیچ امکاناتی ندارم. البته به محضر مقدس مولایمان، صاحب الزمان، متوسل شده و عرض حاجت کرده‌ام. مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی فرمودند: البته حضرت بقیه الله «ارواحنا فداه» حجة الله است و تمام جهان تحت فرمان اوست. ولی این‌جا صاحب خانه حضرت معصومه علیها‌السلام می‌باشد. شما بر

۱. همان، ص ۱۱۳.

محزون می‌بینم! ماجرا را گفتم، گفت: من برای قرض دادن حاضریم. همان روز پول را از ایشان قرض کرده و خانه را تحویل گرفتم و راحت شدم.

روزی که قول داده بودم قرضم را ادا کنم، چیزی در بساط نداشتم، باز به محضر ولی نعمت خود مشرف شدم و عرضه داشتم: ای بی‌بی دو عالم! من خود به این جا نیامده‌ام، مرا فرستاده‌اند و امروز موعد قرض‌های من است. از شما کسی را می‌خواهم که آن را تبرّعاً به من بدهد. از حرم بیرون آمدم. داخل صحن، یکی از آشنایان در رسید و گفت: فلانی، شما را محزون می‌بینم! گفتم: من چنین داستانی دارم، گفت: چقدر بدهکاری؟ گفتم: نود هزار تومان، گفت: من می‌دهم و همه پول را یکجا به من داد و قرضم را به عنایت بی‌بی سر موعدهش پرداخت کردم و برای همیشه راحت شدم.^۱

ب - مرحوم حاج میرزا محمد تنکابنی، صاحب بیش از دویست جلد اثر ارزنده، در یکی از تالیفات خود می‌نویسد: «سالی که برای زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم مشرف شده بودم،

کیسه‌ای داشتم که مخصوص پول طلا بود و همواره مقدار معینی طلای مسکوک در آن گذاشته و همراه خود می‌بردم. شب جمعهای، دو اشرفی در آن کیسه نهاده و به آستان بوسی دختر باب الحوائج مشرف شدم. در حرم مطهر به دلم افتاد که به یکی از خادمین هدیه‌ای بدهم، چون هوا تاریک بود، به جای دو روپیه، اشرفی‌ها را به او داده بودم. هنگامی که به منزل مراجعت کردم، کیسه پول را خالی یافتم و متوجه اشتباهم شدم. هنگام صبح موقعی که می‌خواستم از منزل خارج شوم، کیسه را برداشتم که تعدادی اشرفی در آن گذاشته و همراه خود داشته باشم. با کمال تعجب مشاهده کردم که دو سکه اشرفی داخل کیسه موجود است. مطمئن بودم که آن شب کیسه خالی بود و احدی به آن دسترسی نداشت و سپس ایشان اضافه می‌کند که این قضیه دوبار برایم اتفاق افتاده است.^۲

۳ - کریمه اهل بیت و حل مشکلات

جسمی

صاحب کتاب زندگانی حضرت معصومه می‌نویسد: «جهت عیادت به

۱. کریمه اهل بیت، ص ۲۳۲.

۲. قصص العلماء، ص ۷۴.

الحمد لله گرفتیم. با متولی باشی چکار دارم و بالاخره هر چه اصرار کردند به تولیت آستانه نرفت.^۱

این بود شمه‌ای از الطاف بی‌شمار و عنایات و کرامات فراوان این بانوی بزرگ که به واسطه وجود پاکش سرزمین قم مأوای عاشقان و ساکنان طریق هدایت و قبله آمال عارفان حقیقت گشته است.

بدان امید که حضرتش همه را از راه لطف مورد عنایت قرار داده و به راه هدایت رهنمون گردد.

این بارگه که خاک درش مشک از فر است

بویش چو بوی خلد برین روح پرور است

دارالشفاء و عقده گشا و فرح فزاست

باب امان زمحنت فردای محشر است

طور حضور و مطلع نور و مطاف حور

آرامگاه دختر موسی بن جعفر است

خاتون دین پناه که برهان عزتش

هر صبح و شام صیحه الله اکبر است

هر کس دری به خانه و راهی گزیده است

چشم امید لطفی صافی بر این در است^۲

محضر مرحوم آیت الله حاج سید محمد محقق یزدی (داماد) مشرف بودیم و از کرامت‌های حضرت معصومه علیها السلام سخن به میان آمد. ایشان فرمودند: چیزی را که من به چشم خود دیدم، این است که: روزی در مدرسه فیضیه مقابل پله‌های ورودی صحن مطهر، شخصی را دیدم که از ناحیه پا ناتوان است و جهت تشریف به حرم توانایی بالا رفتن از پله‌ها را ندارد، یکی از رفقا که آن‌جا حاضر بود، صدایش کرده و گفتم: این بنده خدا می‌خواهد به زیارت بی‌بی برود ولی توانایی ندارد. بیا او را کمک کنیم. کمک نموده و او را از پله‌ها بالا بردیم و به صحن مطهر رساندیم. آنگاه او را به حال خود گذاشته و از او جدا شدیم. فردا نهاره خانه صحن به خاطر شفای شخصی به صدا در آمد. همان شخص ناتوان را دیدم که صحیح و سالم بر روی پاهای خود ایستاده است و خادمین حرم اصرار می‌نمودند که او را نزد متولی باشی ببرند. ولی او نمی‌پذیرفت و می‌گفت: من از اطراف شهر قزوینم، آمده بودم که شفا بگیرم،

۱. زندگانی حضرت معصومه، سید محمد صفی، ص ۴۵.

۲. سروده آیت الله العظمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی مد ظله العالی.